

ترامپ میان دو سنگ آسیاب، یکی حمایت از یهود و دیگری فشار هواداران، گیر افتاده است

ترامپ بدون هیچ تجربه یا آشنایی در کار سیاسی وارد عرصه سیاست شد. ترامپ از همان آغاز بر پایگاه سفیدپوستان تکیه زد و خود را چهره‌ای بیرون از دایره سیاستمداران سنتی معرفی کرد. او با دمیدن بر آتش نژادپرستی، دشمنی با رنگین‌پوستان و تحریک احساسات ضداسلامی توانست این پایگاه را به‌سوی خود جلب کند، توانست پایگاه نیرومندی پدید آورد که «ماگا» نام گرفت و این اختصاری است از «آمریکا را بار دیگر عظیم کنیم» است و دیده می‌شود که پایگاه انتخاباتی او اکنون از چهار بخش اصلی تشکیل شده است:

بخش نخست و اصلی: مسیحیان انجیلی هستند که حدود یک‌سوم جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. اینان از سرسخت‌ترین پشتیبانان رژیم یهود و از نیرومندترین لابی‌های فشار و کمک‌کنندگان مالی به رژیم‌اند. باور دارند که وجود رژیم یهود بازگشت نجات‌دهنده‌شان را نزدیک می‌سازد. انجیلی‌ها از تصمیمات ترامپ در دوره نخست حکومتش، مانند انتقال سفارت آمریکا به قدس و به‌رسمیت‌شناختن الحاق بلندی‌های جولان و فعالیتش در توافق‌نامه‌های ابراهیم، خرسند شدند. نزدیک به ۸۰ درصدشان در انتخابات ۲۰۲۴ میلادی به او رأی دادند.

بخش دوم: محافظه‌کاران سنتی هستند، به‌ویژه سالمندان. اینان به اتحاد راهبردی میان آمریکا و رژیم یهود باور دارند و بر این عقیده‌اند که وجود این رژیم به سود آمریکاست.

بخش سوم: آنان‌اند که به شعار «اول آمریکا» ایمان دارند. اینان خواستار آن‌اند که آمریکا در منازعات خارجی دخالت نکند و به کشورهای دیگر کمک ندهد و رئیس‌جمهور باید به مسائل داخلی آمریکا بپردازد، همچون زیرساخت‌ها و وام‌های دانشجویی. همین قشر است که اکنون صدای انتقادشان از ترامپ بلند است. تاکر کارلسون، مارجری گرین، مگن کلی و دیگر رسانه‌ای‌ها و چهره‌های اثرگذار در شبکه‌های اجتماعی، این انتقادها را رهبری می‌کنند.

بخش چهارم: راست‌گرایان نژادپرست مانند کوکلاکس کلان، نازی‌های جدید و راست بدیل‌اند. اینان شمارشان از بخش‌های دیگر کمتر است. بخشی از آنان ضدیهودند و یهودیان را دشمن می‌دارند و خواستار پایان دادن به نفوذ یهود در سیاست آمریکا هستند.

شایان توجه است که تغییراتی در پایگاه مردمی ترامپ نسبت به حمایت از رژیم یهود پدید آمده است. بنا بر گزارش روزنامه واشنگتن پست در 2025/6/30 با عنوان: «جمهوری‌خواهان جوان شکاف میان نسل‌ها در حزب جمهوری‌خواه پیرامون حمایت از اسرائیل را تغذیه می‌کنند»، نسبت جمهوری‌خواهان زیر پنجاه سال که به رژیم یهود نگاه مثبت داشتند در سال 2022 میلادی 63٪ بود و اکنون 48٪ موافق و 52٪ مخالف شده‌اند. بر پایه پژوهشی که مرکز جیمز زغبی انجام داد و نتایجش را در 2025/5/5 اعلام کرد، درصد جمهوری‌خواهانی که می‌بینند سیاست آمریکا به‌شکل افراطی به سود رژیم یهود متمایل است، از 33٪ در سال 2024 میلادی به 39٪ در سال 2025 میلادی افزایش یافته است و بنا بر نظرسنجی کوئینسیباک در ماه مه 2024 میلادی، نسبت حامیان رژیم یهود از میان کل جمهوری‌خواهان از 78٪ به 64٪ کاهش یافته است.

آشکار است که در میان هواداران ترامپ درباره سیاست او نسبت به رژیم یهود شکافی وجود دارد، به‌ویژه در مورد حمایت بی‌قید و شرطش و آنچه در غزه از کشتار و گرسنه‌داشتن رخ می‌دهد که لرزه بر اندام می‌افکند و مایه شرمساری است. برخی از آنان مانند تاکر کارلسون موضوع جنگ غزه و گرسنگی مردم را بر روی سکوی خود مطرح می‌کنند؛ موضوعاتی که بسیاری از رسانه‌های کشورهای اسلامی نیز آن‌ها را مطرح نکرده‌اند و مهمانانی می‌آورد که در آن رژیم را به‌شدت موردحمله قرار می‌دهند. آخرین نمونه آن مصاحبه‌اش با افسر آمریکایی آنتونی آگیلار بود که در نهاد انسان‌دوستانه غزه که آمریکا آن را بنیان نهاده بود کار می‌کرد و پس از بازگشت از غزه و دیدن کشتار و گرسنه‌داشتن سازمان‌یافته، از ارتش آمریکا استعفا داد. او داستان کودک امیر و کشته‌شدنش به‌دست ارتش یهود به‌طور بی‌رحمانه را یادآوری کرد. چنین گزارش‌هایی از محرمات در رسانه‌های آمریکایی به‌شمار می‌آید.

در برابر این شکاف، ممکن است پرسشی به ذهن خطور کند درباره تأثیر این اختلاف بر سیاست ترامپ و آمادگی او برای تغییر آن. برای پاسخ به این پرسش، ناگزیر باید رابطه موجود میان آمریکا و رژیم یهود را شناخت. غرب این رژیم را در قلب سرزمین‌های اسلامی پدید آورد تا پایگاه

پیشروی او در آنجا باشد. پس حفظ آن، امری حیاتی و مصلحتی عالی از مصالح غرب به‌طور عام و آمریکا به‌طور خاص است؛ از این‌رو تصور نمی‌رود که آمریکا از آن دست بکشد یا کمک‌هایی را که می‌تواند به او زیان رساند قطع کند. رابطه میان‌شان همچون رابطه فرزند نازپرورده با پدرش است؛ اما هنگامی که منافع حیاتی عالی آمریکا با منافع یهود در تعارض قرار گیرد، آمریکا منافع خود را مقدم می‌دارد، چنان‌که در اجلاس مادرید سال 1991 میلادی رخ داد، آن‌گاه که اسحاق شامیر را با تهدید به قطع کمک‌ها وادار کرد در اجلاس حضور یابد. ولی بر پایه داده‌های کنونی، ترامپ دست به قطع کمک‌ها از رژیم نخواهد زد، به‌سبب همان رابطه پدرانه موجود میان‌شان و نیز به‌سبب پایگاه مردمی که بر آن تکیه دارد و همچنان در حمایت از رژیم نیرومند است، هرچند اندکی رو به ضعف رفته است. با این حال، ممکن است برخی کارها را برای خشنود ساختن بخشی از پایگاه مخالف جنگ در غزه انجام دهد، همچون ارائه مقداری کمک غذایی یا برخی اظهاراتی که بی‌اثر است و او به دروغ‌گویی و صدور اظهارات متناقض شناخته می‌شود. در مجموع، او در گرایش عمومی خود دچار تناقض است: از یک‌سو نگرانی خود را نسبت به اوضاع غزه نشان می‌دهد و از سوی دیگر همچنان پشتیبانی کامل از رژیم را حفظ می‌کند. چنان‌که در جریان سفرش به اسکاتلند در تاریخ 2025/7/28 گفت: «من می‌بینم و نمی‌توانی آن را انکار کنی، این کودکان نشانه‌های گرسنگی شدید بر چهره دارند. این یک قحطی واقعی است» و مانند دعوتش برای ایجاد مراکز غذا در غزه بدون حصار یا مرز.

همانا مایه اندوه است که مسلمانان چشم به پشتیبانی دشمنانشان بدوزند، درحالی‌که شمار آنان از دو میلیارد مسلمان افزون است و چون کف روی سیل گشته‌اند و پست‌ترین مخلوقات الله سبحانه‌وتعالی بر آنان تاخته و آنان را کشته است. این جز به‌سبب نبودن نگهبان و نبودن مدافعی برای آنان نیست. از الله سبحانه‌وتعالی می‌خواهیم که دولت خلافت راشده بر منهج نبوت به‌زودی بازگردد و الله سبحانه‌وتعالی برای این امت حاکمی مسلمان و مخلص فراهم آورد که امورشان را رعایت کند و پناهگاهشان را نگاه دارد. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «امام، سپری است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و به‌وسیله او پناه گرفته می‌شود».

برگرفته از شماره ۵۶۱ جریده الرایه